

جنايات جنگی علیه ميراث فرهنگي در مخاصمه مسلحانه سوریه

فضل الله فروغی^{۱*}، کیوان غنی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۰)

چکیده

تحولات موسوم به بهار عربی، سوریه را دستخوش ناآرامی‌های سیاسی و سپس مخاصمه مسلحانه همه‌جانبه کرد. تخریب بناها و اماکن تاریخی، استفاده از محوطه‌های باستانی برای اهداف نظامی و قاچاق آثار تاریخی و اشیای عتیقه، از جمله جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی سوریه است که به صورت گسترده و هدفمند و در قالب برنامه مشخص از سوی گروه‌های تکفیری، به‌ویژه گروه مشهور به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، در حال انجام است. عضویت نداشتن دولت سوریه در بسیاری از معاهدات بین‌المللی ناظر بر میراث فرهنگی، بی‌ارادگی و ناتوانی جامعه بین‌المللی در انجام اقدامات حقوقی لازم و همچنین پایبند نبودن گروه‌های مسلح غیردولتی به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، میراث فرهنگی سوریه را در وضعیت دهشتناکی قرار داده است. مقاله حاضر در راستای ارائه راهکار حقوقی مقابله با این جرایم نتیجه‌گیری کرده است جامعه بین‌المللی، به‌ویژه سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) هم‌زمان با اتخاذ سازوکارهای پیشگیرانه وضعی متناسب با حیثیت فرهنگی و تاریخی بناها، اماکن و آثار باستانی، با ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی از رهگذر تصمیم شورای امنیت، الزام یا اقناع دولت سوریه به صدور اعلامیه پذیرش یا تقاضای کشورهای عضو آن عضو گروه‌های مسلح غیردولتی فعال در سرزمین سوریه هستند، می‌توانند نسبت به تعقیب کیفری و محاکمه مرتکبان جنایات مذکور اقدام کنند.

کلیدواژگان

جنايات جنگی، داعش، سوریه، مخاصمه مسلحانه، ميراث فرهنگي.

مقدمه

سوریه کنونی که در گذشته همراه با کشورهای اردن، لبنان، فلسطین، بخش‌هایی از جنوب ترکیه و شرق مصر بخشی از سرزمین شام محسوب می‌شدند، از نخستین خاستگاه‌های تمدن بشری است که بر خلاف بسیاری از تمدن‌های باستانی تداوم و پیوستگی تاریخی خود را حفظ کرده است. با توجه به اینکه این سرزمین از سپیده‌دم تاریخ گهواره تمدن بوده است، اقوام مختلفی آن را سکونتگاه خویش کرده یا در معرض تاخت‌وتاز قرار داده‌اند و نشانه‌هایی از تمدن خاص خویش را برای روزگاران پسین به یادگار گذاشته‌اند. آثار به‌جای‌مانده از این دوران مجموعه‌ای عظیم و رنگارنگ را تشکیل می‌دهند که نه تنها اساس هویت ملی سوریه بلکه بخش مهمی از تمدن و فرهنگ جامعه بشریت محسوب می‌شوند (روحانی، ۱۳۸۸: ۳۰). با آغاز جنبش‌های اعتراضی در کشورهای عربی از مارس ۲۰۱۱، سوریه نیز دستخوش اعتراضات سیاسی شد. آنچه در آغاز ناآرامی سیاسی بود، در ژوئیه ۲۰۱۲ به مخاصمه مسلحانه تمام‌عیار تبدیل شد. هرچند این درگیری‌ها فارغ از اختلافات مذهبی و صرفاً مبنی بر خواسته‌های سیاسی بود و صدمه وارده به اموال فرهنگی نیز صرفاً ناشی از پیامدهای ناگزیر جنگ بود، اما با ورود تندروهای سنی‌مذهب به درگیری‌ها برای براندازی دولت قانونی و همچنین تشکیل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) ماهیت تخریب و صدمه به میراث فرهنگی تغییر و به دلایل ایدئولوژیک کانون و هدف اصلی شد. صدمات وارده به آثار تاریخی فرهنگی سوریه آنچنان دهشتناک است که ارزش‌های جهانی استثنایی، که ویژگی بنیادین میراث جهانی است، در اثر این هجوم و حملات از بین رفته است. به همین دلیل نیز کمیته میراث جهانی در سی‌وهفتمین نشست خود در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ میراث‌های جهانی سوریه را در فهرست میراث جهانی در خطر قرار داد.

جنايات عليه ميراث فرهنگي محدود به تخریب بناها و آثار تاریخی نشده است، بلکه گروه‌های مسلح غیردولتی، به‌ویژه گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، با اتخاذ رویکردی متفاوت نسبت به آثار باستانی غیرمنقول، با حفاری و غارت گسترده و بی‌سابقه محوطه‌های باستانی، موزه‌ها و مجموعه‌های تاریخی مبادرت به تجارت غیرقانونی و قاچاق میراث فرهنگی سوریه کرده‌اند که این امر به منبع اصلی درآمد گروه‌های مذکور تبدیل شده است. با افزایش ابراز محکومیت جهانی تخریب و غارت میراث فرهنگی سوریه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای از طرفین مخاصمه درخواست کرد که بلافاصله به تمامی نقض‌ها و سوء استفاده از حقوق بشردوستانه پایان دهند و از حمله علیه اموال و ساختمان‌های غیرنظامی، از جمله میراث فرهنگی، خودداری ورزند (A/Res/88/182). شورای امنیت نیز در پرتو وظیفه ذاتی‌اش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با صدور قطعنامه‌ای خواستار حفظ میراث فرهنگی ارزشمند سوریه و

اتخاذ اقدامات ضروری در جهت حفاظت از محوطه‌های باستانی شده است (S/Res/2199). با این حال اقدامات جامعه بین‌الملل منحصر به صدور اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی دائر بر محکومیت جنایات علیه میراث فرهنگی و تقاضای اتخاذ اقدامات لازم برای پیشگیری از ارتکاب آنها شده است. ادامه جنایات ارتكابی گسترده علیه میراث فرهنگی سوریه این سؤال را در افکار عمومی پدید آورده است که این امر ناشی از این است که دولت سوریه و حقوق بین‌المللی بشردوستانه ظرفیت و ابزار قانونی و حقوقی لازم همچون قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی و مراجع قضایی صلاحیت‌دار ملی و بین‌المللی برای پیشگیری از جنایات ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه و تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان آن را دارا نیست یا اینکه جامعه بین‌المللی به لحاظ اختلاف نظر اعضای آن در توصیف ماهیت و ویژگی‌های بحران سوریه و چگونگی مواجهه با آن و همچنین نقش و مداخله برخی دولت‌ها در بحران مزبور با حمایت و پشتیبانی از طرفین درگیری، عزم و اراده جدی برای اتخاذ اقدامات و سازوکارهای حقوقی و سیاسی مناسب در زمینه حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی در منازعات جاری در سرزمین سوریه را ندارد.

بررسی راهکارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای رسیدگی به جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی سوریه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی، به‌ویژه گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، موضوع این نوشتار است. برای این منظور، شناخت و تعریف میراث فرهنگی در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، مصادیق و شرایط تحقق جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر میراث فرهنگی قابل اعمال در مخاصمه سوریه و در نهایت مراجع قضایی صالح برای رسیدگی به جنایات مذکور، بررسی و تحلیل می‌شود.

الف) مفهوم میراث فرهنگی در قوانین سوریه و اسناد بین‌المللی

حمایت از میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه سوریه مستلزم این است که تعریف روشنی از آن در دسترس اشخاص باشد. شناخت مفهوم و مصادیق میراث فرهنگی در قانون آثار باستانی سوریه و اسناد بین‌المللی مرتبط موضوع این بخش است.

۱. مفهوم میراث فرهنگی در قوانین سوریه

شاید بتوان با توجه به معانی لغات «میراث» و «فرهنگ» بیان داشت آنچه حاصل فکر، اندیشه، باورها، اعتقادات و تلاش نسل‌های گذشته یک جامعه و ملت بوده و به‌صورت سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم یا دست‌سازها تبلور یافته و به نسل‌های بعد منتقل شده، میراث فرهنگی آن ملت خوانده می‌شود (پازوکی، ۱۳۷۶: ۸۲). اصولاً مهم‌ترین معیاری که در نظام‌های حقوقی جهان برای شناخت

میراث فرهنگی استفاده می‌شود، «قدمت تاریخی» است؛ بدین صورت که برای تفکیک آثار فرهنگی _تاریخی از سایر معیار و مبدأ زمانی تعیین می‌شود که معمولاً یکصدسال از تاریخ ساخت یا ایجاد آثار مذکور است. سابقه قانونگذاری سوریه در حوزه میراث فرهنگی نشان می‌دهد که قدمت تاریخی «زمانی» معیار اصلی در تعریف و تبیین میراث فرهنگی است. مطابق ماده ۱ قانون آثار باستانی سوریه مصوب ۱۹۶۳، آثار باستانی به اموال منقول و غیرمنقول بنا، ساخته، تولید، نوشته یا ترسیم‌شده توسط انسان که دارای سابقه و قدمت حداقل دویست سال میلادی یا دویست‌وشش سال هجری باشد، اطلاق می‌شود. چنانکه ملاحظه می‌شود قانون مزبور، قدمت اثر را به‌عنوان یک ارزش ذاتی موجود در اثر و همچنین نشانه‌ای برای شناخت اثر تعیین کرده است، اما در تعیین مقطع تاریخی مورد نظر از اصول مورد اتفاق در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی پیروی نکرده و آثاری را باستانی تلقی کرده است که دارای سابقه یا قدمت حداقل دویست سال میلادی یا دویست‌وشش سال هجری است. با این حال با توجه به این واقعیت که صرف اینکه آثاری دارای قدمت تاریخی بوده و در مملکت سوریه احداث شده باشد، موجب نمی‌شود که متصف به وصف میراث فرهنگی شود، بلکه بیش از قدمت و محل ساخت یا ایجاد آن حمل یک مفهوم یا ارزش ضروری است، مقامات مسئول آثار باستانی حق دارند که تمام اموال منقول و غیرمنقول را که بدون توجه به معیار قدمت، دارای ویژگی‌های تاریخی یا هنری یا ملی باشند، به‌عنوان میراث فرهنگی در نظر بگیرند.

افزون بر این، ماده ۳ قانون مذکور آثار باستانی را به غیرمنقول و منقول تقسیم و برای هر یک مصادیقی ذکر کرده است. شایان ذکر است که برخی آثار باستانی منقول در صورتی که بخشی از آثار غیرمنقول بوده یا برای تزیین و آراستن آن به کار روند، به‌عنوان آثار غیرمنقول در نظر گرفته می‌شوند. این امر توسط مقامات مسئول آثار باستانی مقرر و تعیین می‌شود (بند ۳ ماده ۳ قانون آثار باستانی).

۲. مفهوم میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی

افزون بر اینکه در حقوق بین‌الملل ناظر بر حمایت از میراث فرهنگی، تعریف جهانی یکسان و پذیرفته‌شده‌ای از میراث موضوع حمایت ارائه نشده، همواره نیز جدالی سخت برای انتخاب و کاربرد عنوان اموال فرهنگی و میراث فرهنگی میان اسناد و معاهدات بین‌المللی از یک سو و حقوقدانان از

سوی دیگر وجود داشته است^۱ (Frigo, 2004: 367). با این حال، با اینکه اسناد بین‌المللی ابتدا از واژه اموال فرهنگی استفاده می‌کردند، در سالیان اخیر یونسکو تمایل بیشتری برای کاربرد عبارت میراث فرهنگی نشان داده است. کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه مصوب ۱۴ می ۱۹۵۴ که به دنبال تجربه تلخ جنگ جهانی دوم و عدم مصونیت شهرها و بناهای تاریخی از حملات و بمباران‌های هوایی از سوی سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) وضع شد و دولت سوریه نیز در سال ۱۹۵۴ آن را تصویب کرد، با اذعان به اینکه تمام اموال در فرهنگ جهانی سهیم بوده و لطمه به اموال فرهنگی هر قوم به منزله لطمه به اموال کل بشر است، رویکرد جهانی‌گرایی فرهنگی را در تعریف میراث فرهنگی مورد پذیرش قرار داده است (Meryman, 1986: 832).

مطابق ماده ۱ کنوانسیون مزبور «اموال زیر صرف نظر از منشأ و مالک آنها اموال فرهنگی محسوب می‌گردند. الف) اموال منقول و غیرمنقولی که دارای اهمیت بسیار فراوان برای میراث فرهنگی هر ملت می‌باشند از قبیل آثار معماری - هنری یا تاریخی - مذهبی یا غیرمذهبی مناظر باستانی، مجموعه ساختمان‌هایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری می‌باشد. آثار هنری و نسخ خطی و کتب و سایر اشیاء که دارای ارزش هنری - تاریخی یا باستان‌شناسی باشد و همچنین مجموعه‌های مهم کتب و اسناد و نمونه‌های تقلیدی اموال مذکور در فوق. ب) بناهایی که منظور اصلی و واقعی از آنها حفاظت و نمایش اموال فرهنگی منقول (مذکور در بند الف) است، مانند موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، بایگانی‌ها و همچنین پناهگاه‌هایی که در صورت وقوع جنگ اموال فرهنگ اموال فرهنگی منقول مذکور در بند الف) در آنها نگاهداری می‌شود و ج) مراکزی که در آنجا تعداد قابل توجهی اموال فرهنگی مشروحه در بند الف) و ب) وجود دارد و مراکز آثار تاریخی نامیده می‌شود».

این کنوانسیون به منظور حمایت از اموال فرهنگی، بناها، اماکن و مراکز نگهداری این گونه اموال را نیز میراث فرهنگی محسوب کرده است. به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده نه تنها از جامعیت به دور است، بلکه سبب ضعف آن نیز شده است؛ این کنوانسیون می‌تواند در مورد شمار اندکی از ساختمان‌ها، بناها و اشیای واقع در قلمرو هر یک از دولت‌های عضو، آن گونه که خود مناسب می‌داند، اعمال شود. به دیگر سخن، مسئله تشخیص و تعیین چنین مالی امری است که به حقوق داخلی هر دولت مربوط می‌شود (نژندی منش، ۱۳۸۹: ۳۸).

۱. البته شایان ذکر است که کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی (یونیدرویت) پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده مصوب ۱۹۹۵ با عدم تبعیت از رویکردهای یونسکو از اصطلاح «اشیای فرهنگی» استفاده کرده است.

افزون بر این کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی مصوب ۱۹۷۲ نیز که به لحاظ عضویت ۱۹۱ کشور عام‌الشمول‌ترین، مهم‌ترین و کارآمدترین سند حقوقی بین‌المللی در زمینه محوطه‌های میراث جهانی است (Anglin, 2008: 247)، تعریفی کلی و جامعی از میراث فرهنگی ارائه نکرده، بلکه ضمن تقسیم میراث فرهنگی به آثار، مجموعه‌ها و محوطه‌ها، مصادیقی برای هر یک از گروه‌های مذکور بیان کرده است. این کنوانسیون هر چند به صراحت آثار فرهنگی منقول را از تعریف میراث فرهنگی خارج نکرده، مصادیق ذکر شده یا مستفاد از تعریف صرفاً شامل آثار فرهنگی غیرمنقول می‌شد. عملکرد کمیته بین‌المللی میراث جهانی که امر ثبت آثار فرهنگی را منطبق با تعریف و سایر شروط کنوانسیون بر عهده دارد نیز نشان می‌دهد که دایره شمول تعریف کنوانسیون میراث جهانی تنها آثار فرهنگی غیرمنقول را شامل می‌شود (صمدی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). «ارزش جهانی استثنایی» مفهوم بنیادین و محوری تعریف میراث فرهنگی و به‌طور کلی کنوانسیون میراث جهانی است. بعضی محوطه‌ها و آثار تاریخی و باستان‌شناختی آنچنان استثنایی است که از دید تمامی ملت‌ها ارزشمند محسوب شده و باید به‌عنوان میراث مشترک بشریت حفاظت شوند (Labadi, 2013: 11). به‌عبارت دیگر، ارزش جهانی استثنایی به معنای اهمیت فرهنگی آنچنان استثنایی است که از مرزهای ملی فراتر رفته و برای نسل حاضر و آتی بشر اهمیت یکسان دارد و بدین لحاظ حفاظت از چنین آثاری برای جامعه جهانی مهم است.

ب) مصادیق جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارتکاب اعمالی همچون هدف قرار بناها و اماکن تاریخی، تخریب و انهدام گسترده آنها، استفاده از محوطه‌های باستانی برای اهداف نظامی همچون پناهگاه و پایگاه‌های نظامی، سرقت، غارت، قاچاق و تصاحب آثار تاریخی و اشیای عتیقه در جریان مخاصمه مسلحانه را جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی محسوب کرده است که هدف قرار دادن اموال فرهنگی و تخریب آن به‌نحو گسترده و هدفمند در مخاصمه مسلحانه سوریه در حال ارتکاب است.

۱. هدف قرار دادن اموال فرهنگی

براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، هر یک از طرف‌های مخاصمه باید اموال فرهنگی را محترم بشمرند و در عملیات نظامی به‌منظور جلوگیری از ورود صدمه به بناهای تاریخی دقت ویژه به‌عمل آورند و از هدف قرار دادن اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت فراوان است، خودداری کنند. در حقوق بین‌الملل عرفی تردیدی در مسئولیت کیفری شخصی مرتکبان حملات غیرقانونی علیه اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی نیست. در حقوق

معاهداتى نيز، افزون بر ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقى کنوانسيون حمايت از اموال فرهنگى در زمان مخاصمات مسلحانه که هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگى مورد حمايت را نقض شديد پروتکل دانسته و براى مرتكب مسئوليت كيفرى شخصى پيش بينى کرده است، بند ۲ پاراگراف ۲ ماده ۸ اساسنامه رم نيز هدايت عمدى حملات بر ضد آثار تاريخى را نقض فاحش قوانين و عرفهاى قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غيربين المللى محسوب کرده و رسيدگى به آن را در صلاحيت ديوان كيفرى بين المللى قرار داده است. البته دولت سوريه هيچ يك از دو سند مذکور را تصويب نکرده است که از اين حيث قابليت اعمال بر مخاصمه مسلحانه جارى در اين کشور را ندارد، هرچند همان گونه که بيان شد، ممنوعيت هدف قرار دادن اموال فرهنگى بخشى از حقوق بين الملل عرفى محسوب مى شود و بر کليه دولت ها لازم الاتباع است. با اين حال ممنوعيت هدف قرار دادن اموال فرهنگى مطلق نيست، بلکه چنانچه ضرورت نظامى آمره ايجاب کند، چتر حمايت از اموال فرهنگى برداشته مى شود (بند ۲ ماده ۴ کنوانسيون ۱۹۵۴ لاهه). پروتکل دوم الحاقى به کنوانسيون لاهه در پرتو تحولات و توسعه حقوق بشردوستانه بين المللى از سال ۱۹۵۴ مفهوم معافيت بر مبنای ضرورت نظامى آمره را روشن کرده است. بنابر ماده ۱۶ اين پروتکل «الف- اسقاط حق براساس ضرورت نظامى آمره به موجب بند ۲ ماده ۴ کنوانسيون براى هدايت عمليات نظامى عليه اموال فرهنگى تنها تا زمانى و تا مدتى ممکن است مورد استفاده قرار گيرد که ۱. آن مال فرهنگى با عملکرد خود تبديل به هدفى نظامى شده و ۲. هيچ طريق ممکن ديگرى براى کسب مزيت نظامى مشابه نسبت به آنچه که از طريق هدايت حمله نظامى عليه آن هدف به دست مى آيد وجود نداشته باشد».

اين قاعده را نبايد با ممنوعيت حمله به اموال فرهنگى موضوع بند ۱ ماده ۵۳ پروتکل اول الحاقى و ماده ۱۶ پروتکل الحاقى دوم به کنوانسيون هاى ۱۹۴۹ ژنو که حق اعراض در مورد ضرورت مبرم نظامى را پيش بينى نمى کند، اشتباه کرد؛ موارد مزبور تنها دربرگيرنده موارد محدودى از اموال فرهنگى بسيار مهمى اند که بخشى از ميراث فرهنگى معنوى «ملت ها» به شمار مى روند، درحالى که دامنه شمول کنوانسيون لاهه وسيع تر بوده و اموالى را شامل مى شود که بخشى از ميراث فرهنگى «هر ملت» است (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۲۹). براساس شواهد و مدارک رسمى و غيررسمى طرفين مخاصمه مسلحانه بارها ميراث فرهنگى سوريه را مورد حمله قرار داده اند (Petrovic, 2015: 164).

۲. تخریب و صدمه به اموال فرهنگى

تخریب يا حداقل آسیب رساندن جزیی يا کلى به اموال فرهنگى در مخاصمات مسلحانه سابقه ديرينه دارد و به قدمت تاريخ جنگ بين اقوام، ملت ها و کشورهاست؛ به گونه اى که همواره انهدام اموال فرهنگى دشمن در درگيرى ها يک راهبرد جنگى است و براى تضعيف روحیه نظامى _جنگى دشمن به کار مى رود. در مقابل اين فاجعه وحشتناک به عنوان ارزش والا، گرانبها و جهانى تلقى

شده و سعی بر حفاظت آنها از گزند بلایا و قدرت‌طلبی‌های انسان‌های انسان‌نما داشته‌اند. این مهم جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا به تدوین قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر موضوع بپردازند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۳۶). تدوین مجموعه قواعد لیبر در زمان جنگ‌های داخلی آمریکا، صدور اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل، دستورالعمل آکسفورد در سال ۱۸۸۰، کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی و کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و پروتکل‌های منضم به آن بخشی از تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای ممنوعیت تخریب میراث فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی، است.

محکومیت جهانی تخریب اموال فرهنگی در قضیه تخریب مجسمه‌های بودا در سال ۲۰۰۱ در بامیان افغانستان به اوج رسید؛ در جریان مخاصمه مسلحانه جاری در افغانستان، در ۲۶ فوریه آن سال، ملامحمد عمر، زمامدار حکومت طالبان، طی فتوایی لزوم نابودی تمامی مجسمه‌های موجود در افغانستان را اعلام کرد. طالبان تأکید کرد که این حکم به‌عنوان امری واجب برای جلوگیری از بت‌پرستی در شریعت اسلام موضوع کاملاً داخلی است. با وجود این بیش از یکصد دولت اعتراض خود را به این مسئله، از جمله با تهدید به قطع روابط دیپلماتیک، ابراز داشتند (Fishman, 2010: 362). مجمع عمومی ملل متحد نیز بلافاصله قطعنامه‌ای را با حمایت بیش از یکصد دولت عضو تصویب و از طالبان درخواست کرد که «اقدامات فوری را برای جلوگیری از تخریب بیشتر یادمان‌ها، آثار تاریخی یا آثار هنری غیر قابل جایگزین مربوط به میراث فرهنگی افغانستان اتخاذ کند» (A/Res/55/243). همچنین یونسکو با صدور اعلامیه‌ای در مورد تخریب بین‌المللی اموال فرهنگی ضمن بیان اینکه تخریب میراث فرهنگی، مهم‌ترین بخش سازنده هویت فرهنگی جوامع و عامل پیوند اجتماعی، پیامدهای وخیمی بر هویت انسانی و حقوق بشر دارد مقرر داشت: «هر دولتی که به عمد مبادرت به تخریب میراث فرهنگی کند یا نتواند اقدامات ضروری را برای منع، توقف و مجازات تخریب عمدی میراث فرهنگی، که برای بشریت واجد اهمیت می‌باشد - اعم از اینکه میراث مزبور در فهرست یونسکو یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی به ثبت رسیده باشد یا نه، اتخاذ نماید، در برابر چنین تخریبی مطابق حقوق بین‌المللی، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود (Unesco Declaration, 2003: Art.6).

تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مقام جرم‌انگاری جنایت جنگی مشمول صلاحیت این دیوان، بدون اشاره به جنایت تخریب آثار و بناهای تاریخی تنها هدایت عمدی حملات علیه بناهای تاریخی را نقض قوانین و عرف‌های جنگی محسوب کرده است، درحالی‌که بند «د» ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق با جرم‌انگاری تخریب آثار تاریخی رویکرد متفاوتی را اتخاذ کرده است. به‌نظر می‌رسد که علت این امر را باید در تحولات حقوق بین‌الملل کیفری از زمان تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق جست‌وجو کرد؛ امروزه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی تخریب یا صدمه را عنصر اساسی جنایت جنگی هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگی می‌داند و ضرورتی به جرم‌انگاری مستقل تخریب این اموال نمی‌بیند. داستان غم‌انگیز تخریب و انهدام میراث فرهنگی سوریه توسط گروه‌های تروریستی آنچنان گسترده و وحشتناک است که کمتر تردیدی در وقوع این جنایت جنگی دهشتناک در مخاصمه مسلحانه سوریه وجود دارد. با این حال مطابق قطعنامه‌های شورای امنیت و گزارش‌های ارائه شده به آن از زمان آغاز بحران این کشور (مارس ۲۰۱۱) میراث فرهنگی و محوطه‌های باستانی، به‌ویژه در مناطق تحت تسلط نیروهای مخالف دولت سوریه، به‌صورت سازماندهی شده گسترده و هدفدار تخریب و منهدم شده است (s/res / 2199 / 2015: para.15). مؤسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴ بر پایه تصاویر ماهواره‌ای اعلام کرد که بیش از ۲۹۰ اثر فرهنگی مذهبی برجسته سوریه که در ۱۸ محوطه تاریخی بزرگ در سراسر آن کشور قرار دارد، نابود شده یا آسیب‌های جبران‌ناپذیری متحمل شده است (www.unitar.org/unosat/chs-syria/). افزون بر این، هر شش میراث جهانی سوریه به‌دلیل ورود صدمات جبران‌ناپذیر براساس تصمیم ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ کمیته میراث جهانی در فهرست میراث جهانی در خطر یونسکو قرار گرفته است (unesco,whc-13/37.com/7b.57). با وجود این امری دشوار و حتی ناممکن است که بتوان انکار کرد که اعمال ارتكابی داعش، با هر هدف و توجیهی، جنگ علیه میراث فرهنگی و حافظه تاریخی بشریت و مصداق بارز جنایات جنگی نیست.

پ) ماهیت بحران سوریه

بدیهی است که با وجود دخالت‌های آشکار و نهان دولت‌های ثالث در ایجاد بحران بین‌المللی در سوریه در پرتو پدیده جنگ نیابتی منازعات خشونت‌آمیز کنونی مخاصمه مسلحانه بین‌المللی محسوب نمی‌شود، چراکه نه میان چند دولت بلکه منحصراً در داخل سرزمین سوریه اتفاق افتاده است. اما در مورد اینکه بحران مزبور مخاصمه مسلحانه داخلی است یا وضعیتی همچون تنش داخلی یا جنگ علیه تروریسم، اختلاف نظر وجود دارد، چراکه وجود یک وضعیت خشونت‌بار که بتوان آن را مخاصمه مسلحانه تلقی کرد کافی نیست. برای اینکه وضعیتی این چنین توصیف شود باید طرف متخاصم قابل شناسایی باشد و خشونت نیز به سطح مخاصمه مسلحانه برسد. بنابراین حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تمام وضعیت‌های خشونت‌بار اعمال نمی‌شود و فقط وضعیت‌هایی که معیار تشخیص پروتکل دوم الحاقی و معیارهای تعیین شده از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق را تأمین کند مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی محسوب خواهد شد (ممتاز و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹). با وجود کشته شدن بیش از چندین هزار نفر در سال نخست بحران سوریه کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در فوریه ۲۰۰۳ خود را از تأیید اینکه سوریه در وضعیت مخاصمه مسلحانه داخلی قرار دارد ناتوان یافت.

تنها در ماه می ۲۰۱۲ بود که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به‌صراحت اعلام کرد که خشونت در برخی از بخش‌های سوریه به‌مخاطمه مسلحانه داخلی منجر شده است (Rodenhanser, 2015). با این حال به باور برخی حقوقدانان، نگاهی اجمالی بر تعاریف و معیارهای مذکور در حقوق بین‌المللی بشردوستانه مبین این است که نمی‌توان گروه‌های مسلح غیردولتی را طرف مخاطمه در معنای خاص حقوقی آن تلقی کرد و تحت حمایت‌های حقوقی مقرر در حقوق مربوط دانست، چراکه این گروه‌ها به‌ویژه گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) همه معیارها از جمله مقررات و عرف جنگی را رعایت نمی‌کنند (روزگاری، ۱۳۹۳: ۲). با این حال به‌نظر می‌رسد با گذشت چهار سال از بحران سوریه، به‌تدریج به‌مخاطمه مسلحانه داخلی براساس معیارهای تعریف‌شده در اسناد بشردوستانه تبدیل شده است که نتیجه آن کشته شدن بیش از دویست هزار نفر و آوارگی میلیون‌ها نفر شهروند سوری بوده است.

مطابق بند «الف» ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو مصوب مخاطمه مسلحانه داخلی زمانی رخ می‌دهد که «در قلمرو یکی از دولت‌های عضو پروتکل و بین نیروهای مسلح آن کشور و قوای مسلح مخالف یا دیگر گروه‌های سازمان‌یافته مسلح و تحت یک فرماندهی مسئول روی می‌دهد که آن‌چنان کنترلی بر بخشی از سرزمین دولت مذکور دارند که آنها را قادر می‌سازد که عملیات نظامی را برای اجرای این پروتکل به‌صورت مستمر و کنترل‌شده انجام دهند و پروتکل حاضر را اجرا نمایند». صرف نظر از اینکه دولت سوریه پروتکل دوم را تاکنون تصویب نکرده است، با توجه به اینکه برخی از مقررات این پروتکل از جمله ماده ۱۶ در خصوص حمایت از اموال فرهنگی بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است (Petrovic, 2015: 153) به‌نظر می‌رسد بحران سوریه واجد معیارهای پروتکل مزبور است و مخاطمه مسلحانه داخلی محسوب می‌شود؛ گروه‌های تروریستی سلفی به‌ویژه داعش بیش از نیمی از قلمرو سوریه از جمله شهرهای دیرالزور، رقه، جرابلس، منج، الیاب و اعزاز در شمال ادلب در نزدیکی مرز ترکیه را تحت تسلط دارند (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۵۱). بنابراین تردیدی در تسلط نیروهای مسلح معارض بر بخشی از سرزمین سوریه نیست. احراز توانایی گروه‌های مسلح غیردولتی بر اجرای مقررات پروتکل دوم الحاقی نیز امری دشوار اما تحقق‌پذیر است. شواهد حاکی از این است که بین نیروهای مسلح غیردولتی، تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) دارای ساختار پیچیده و مفصلی، متشکل از شوراهای شش‌گانه نظامی، امنیتی، قضایی، مالی، تبلیغاتی و مشورتی تحت ریاست ابراهیم عداد ابراهیم البدری (ابوبکر البغدادی) و معاونان وی است. این ساختار گروه مذکور را قادر ساخته است تا پایگاه مستحکمی در داخل سوریه ایجاد کرده و بر اعضای خود نظارت و حکمرانی کند (Rasheed, 2015: 48). بنابراین تردیدی در توانایی این گروه برای اجرای پروتکل دوم الحاقی و منع اعضای خود از تخریب و غارت اموال و محوطه‌های فرهنگی سوریه نیست.

علاوه بر اين براساس معيارهاى ديوان كيفرى بين المللى براى يوگسلاوى سابق نيز بحران سوريه واجد وصف مخاصمه مسلحانه داخلى است؛^۱ صرف نظر از اينكه معيار «طول مدت» مخاصمه اين اشكال را دارد كه امرى نسبى بوده و روشن نيست كه مخاصمه چقدر بايد طول بكشد تا بتوان آن را مخاصمه ممتد و طولانى توصيف كرد (ممتاز و همكاران، ۱۳۸۴: ۸۸). گذشت بيش از چهار سال از آغاز درگيرى هاى مسلحانه در سوريه، اعتراضات نخستين را به مخاصمه مسلحانه داخلى تمام عيار تبديل كرده است. همچنين افزون بر رويارويى نظامى ميان نيروهاى مسلح دولتي با گروه هاى غيردولتي، درگيرى هاى مسلحانه خونيني بين گروه هاى مذكور مانند جبهه النصره، داعش، ارتش آزاد سوريه در جهت تسلط بر بخش هاى از سرزمين سوريه در جريان است. بنابراين بي ترديد سوريه به دليل دارا بودن معيارهاى مقرر براى مخاصمه مسلحانه داخلى از ساير وضعيت هاى خشونت آميز همچون جنگ عليه تروريسم، شورش، جنبش هاى اعتراضى و... متفاوت بوده و تحت شمول مقررات و قواعد حقوق بين الملل بشردوستانه است.

ت) حقوق بين الملل بشردوستانه ناظر بر ميراث فرهنگى در مخاصمه مسلحانه سوريه

به دليل عضويت نداشتن دولت سوريه در بسيارى از کنوانسيون هاى بين المللى ناظر بر حمايت از ميراث فرهنگى، حقوق بشردوستانه معاهداتى كمى قابليت اعمال بر مخاصمه مذكور را دارد. افزون بر کنوانسيون قوانين و رسوم جنگ زمينى لاهه مصوب ۱۸ اكتوبر ۱۹۰۷ و کنوانسيون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتكل هاى الحاقى به آن کنوانسيون حمايت از اموال فرهنگى در مخاصمات مسلحانه و کنوانسيون ميراث جهانى به طور خاص حاكم بر اين مخاصمه است. افزون بر اين حقوق بين الملل بشردوستانه عرفى نيز اصول و قواعدى دارد كه براى طرفين مخاصمه لازم الاتباع است.

۱. کنوانسيون حمايت از اموال فرهنگى هنگام مخاصمات مسلحانه مصوب ۱۹۵۴

حقوق بين الملل براى حمايت از اموال فرهنگى از سازوکارهاى مختلفى از جمله معاهدات بهره جسته است. اگرچه اغلب اين معاهدات با محدوديتهاى مواجهه اند و اين محدوديتها امکان حمايت و حفاظت از اموال فرهنگى را به طور كامل و به سهولت امکان پذير نمى کنند، مبنای محكمى در اين حيطه محسوب مى شوند (بيگ زاده، ۱۳۹۱: ۲۴). در اين بين کنوانسيون ۱۹۵۴ حمايت از اموال

۱. بنا بر رأى شعبه تجديد نظر دادگاه كيفرى بين المللى براى يوگسلاوى سابق در قضيه تاديچ، مخاصمه مسلحانه داخلى هنگامى محقق است كه مخاصمه طولانى مدتى ميان نيروهاى دولت و گروه هاى مسلح سازمان يافته يا ميان گروه هاى مذكور در قلمرو دولت در جريان باشد.

فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه اهمیت بسزایی دارد، چراکه از یک سو اصول خود را بر ترکیب گرایش‌های مختلفی همچون حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق میراث فرهنگی بنا نهاده و از سوی دیگر اقدام به پیش‌بینی سازوکارهایی برای به اجرا در آوردن مقررات توسط طرفین متخاصم و بی‌طرف در زمان صلح، مخاصمه و اشغال کرده است (آزاد بخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶).

این کنوانسیون دو نوع نظام حمایتی عام و خاص را برای حمایت از اموال فرهنگی پیش‌بینی کرده است؛ حمایت عام از اموال فرهنگی؛ که مبتنی بر صیانت و پاسداری از این اموال و احترام نسبت به آنهاست، مطابق ماده ۴ «طرفین مخاصمه مسلحانه اموال فرهنگی را محترم شمرده و استفاده از اموال مزبور، وسایل محافظت و مناطق پیرامونی آنها را به‌نحوی که در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه موجب تخریب آنها باشد ممنوع نموده و از ارتکاب هر گونه عمل خصمانه نسبت به اموال فرهنگی خودداری نمایند. تخلف از این تعهد جایز نیست مگر در مواردی ضرورت نظامی آمره چنین تخلفی را ایجاب نماید».

با ملاحظه ماده ۴ که امکان معافیت از تعهدات را در صورت اقتضای ضرورت نظامی آمره می‌دهد، جای این سؤال است که آیا به‌راستی می‌توان سایه حمایت را در صورت اقتضای ضرورت نظامی آمره از سر اموال فرهنگی برداشت. پیش‌بینی این امکان در حالی است که مفهوم یا ضرورت نظامی آمره بسیار گنگ و مبهم است و با احتمال استناد به آن نمی‌توان انتظار حمایتی مؤثر از اموال فرهنگی را داشت (ممتاز و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۹). افزون بر این ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۴ دولت‌های عضو را مکلف کرده است «در زمان صلح صیانت از اموال فرهنگی واقع در سرزمین خود را برای پیشگیری از نتایج غیر قابل پیش‌بینی یک مخاصمه مسلحانه را با وضع مقرراتی که مناسب تشخیص می‌دهند بر عهده بگیرند». این ماده در حقیقت هشدار می‌دهد که تمامی کشورها تا در یک مخاصمه مسلحانه غافلگیر نشوند و در زمان صلح پاسداری از این اموال را با اتخاذ تدابیر ضروری تأمین کنند. تشخیص وضع مقررات به عهده دولتی است که اموال فرهنگی در سرزمین آن وجود دارد و این امر منطقی به نظر می‌رسد، زیرا این دولت است که صاحب منافع فرهنگی خویش است؛ هرچند این آثار به جامعه انسانی تعلق داشته باشد.

مشخص نیست که آیا دولت سوریه پیش از آغاز مخاصمه داخلی به تعهد مذکور عمل کرده است یا خیر. در آخرین گزارش دوره‌ای سوریه در اجرای کنوانسیون ۱۹۵۴ در سال ۲۰۱۰ هیچ برنامه و طرحی در خصوص مدیریت میراث جهانی ثبت‌شده در فهرست یونسکو مشاهده نمی‌شود. تنها پس از آغاز درگیری‌ها نخست‌وزیر سوریه بخشنامه‌ای را خطاب به دستگاه‌های دولتی مبنی بر اتخاذ اقدامات تکمیلی همچون نصب سیستم‌های هشداردهنده و دوربین‌های نظارتی صادر کرد، چراکه این هراس وجود داشت که گروه‌های سازمان‌یافته مبادرت به غارت گسترده اموال فرهنگی کنند که این اقدامات احتیاطی به دلیل فرایند اداری پیچیده به‌طور کامل انجام نپذیرفت.

افزون بر حمايت عام از اموال فرهنگى، كه تمامى آنها را در بر مى گيرد، اهميت فوق العاده برخى از اين اموال چنان است كه وجود مقررات خاصى به منظور حمايت از آنها ضرورت دارد. بى ترديد بناهاى گرانقدرى هستند كه در دنيا نادرند يا اشيائى عتيقه‌اى كه در موزه‌ها وجود دارند، كمياب‌اند و انهدام تابلوهاى نفيس نقاشى و مجسمه‌هاى باشكوه باستانى، مساجد منحصر به فرد، كتابخانه‌هاى غنى، كليساهائى نمونه، معبد به يادگار مانده از دوران كهن كه هر يك قصه‌گوى تاريخ بشر است، ناگوار است. بدين لحاظ و براى حفظ ميراث فرهنگى بشريت حمايت خاص از آنها را مسلم مى نمايد. كنوانسيون لاهه به حمايت خاص از اين اموال توجه کرده و براساس شرايطى طى اين حمايت را پذيرفته است (نوربها، ۱۳۷۱: ۱۹۹).

همان گونه كه بيان شد سوریه عضو كنوانسيون ۱۹۵۴ است، بنا بر اين كليۀ اموال فرهنگى واقع در قلمرو آن تحت نظام «حمايت عام» قرار دارد، درحالى كه هيچ يك از اموال مذكور، حتى اموال فرهنگى داراى ارزش استثنائى ثبت شده در فهرست ميراث جهانى يونسكو در دفتر بين المللى اموال تحت حمايت خاص، به ثبت نرسيده است (Petrovic, 2011:15). با توجه به تصويب كنوانسيون حمايت از اموال فرهنگى هنگام مخاصمات مسلحانه توسط دولت سوریه در سال ۱۹۵۹ ترديدى به الزام و تعهد گروه‌هاى مسلح غيردولتى فعال در سرزمين سوریه به رعايت مقررات اين كنوانسيون نيست؛ چرا كه بنا بر ماده ۱۹ كنوانسيون گروه‌هاى مذكور مكلف‌اند حداقل اموال فرهنگى واقع در سرزمين سوریه را محترم شمرده، از اموال مذكور و محيط پيرامونى آن در جهت اهداف نظامى استفاده نكرده و از ارتكاب هر گونه اعمال خصمانه عليه آنها اجتناب ورزند، مگر اينكه ضرورت نظامى امره اجبار چنين تخلفى را ايجاب كند.

در پيش‌نويس اوليۀ اين كنوانسيون، فصل كاملى به ضمانت اجراهاى كيفرى ناشى از نقض مقررات آن اختصاص داده شده بود، اما در نهايت تنها يك ماده، آن هم در چارچوب عام، در كنوانسيون پيش‌بينى شد. اين كنوانسيون در ماده ۲۸ به طور مختصر مقرر مى‌دارد كه دولت‌ها ملزم‌اند در قوانين كيفرى خود اقدامات لازم را براى تعقيب مجرم انجام دهند و مجازات كيفرى يا ادارى را در حق اشخاصى كه مرتكب نقض اين كنوانسيون شده يا به نقض آن امر کرده‌اند، از هر مليتى كه باشند، اعمال كنند، بنا بر اين كنوانسيون ۱۹۵۴ تعقيب و مجازات مرتكبان را به محاكم كيفرى ملي واگذار کرده است (نژندى منش، ۱۳۸۹: ۷۳).

با توجه به ناکارآمدی ماده ۲۸ كنوانسيون ۱۹۵۴ در برقرارى مسئوليت كيفرى شخصى به دليل عدم پيش‌بينى اعمال ناقض كنوانسيون و مجازات قابل اعمال بر مرتكبان آن، ماده ۱۵ پروتكل دوم الحاقى به اين كنوانسيون مصوب ۱۹۹۹، هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگى تحت حمايت عالى، استفاده از اموال فرهنگى تحت حمايت عالى يا محوطۀ پيرامون آن براى اهداف نظامى، انهدام گسترده يا مصادرة اموال فرهنگى مورد حمايت كنوانسيون و سرقت، غارت، سوء استفاده يا تخريب

اموال فرهنگی را جرم‌انگاری و طرفین مخاصمه مسلحانه را مکلف کرده است که این جرایم و تخلفات را به موجب قوانین داخلی جرم محسوب و مجازات مناسب وضع کنند. دولت سوریه، با وجود امضای پروتکل در ۱۷ می سال ۱۹۹۹^۱، تاکنون آن را تصویب نکرده است بنابراین قابلیت اعمال مستقیم بر مخاصمه مسلحانه کنونی را ندارد، هرچند تردیدی نیست که بسیاری از مقررات آن در زمره حقوق بشردوستانه عرفی بوده و از سوی طرفین مخاصمه لازم‌الرعایه است.

۲. کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲ یونسکو

اغلب بیان می‌شود که کنوانسیون میراث جهانی معاهده زمان صلح است (Ehlert, 2014: 61). با این حال بنابر قاعده تفسیری حاکم بر معاهدات، هر کنوانسیونی باید با حسن و نیت مطابق با معنای عادی مفاد آن در متن و در پرتو موضوع و اهداف آن درک و تفسیر شود. با توجه به این موضوع، هدف از تدوین کنوانسیون میراث جهانی ایجاد و تأسیس چارچوب همکاری بین‌المللی مشترک در حمایت از میراث فرهنگی در برابر تهدیدات بالقوه، به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه است. این بدان معناست که کنوانسیون مذکور در زمان مخاصمات مسلحانه نیز اعمال‌شدنی است.

هرچند دولت سوریه عضو این کنوانسیون است، درخواست‌ها و اقدامات برای توقف تخریب میراث فرهنگی اغلب بر کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه مصوب ۱۹۵۴ مبتنی است، چراکه کنوانسیون مذکور «مقرره قانونی ویژه»^۲ در حمایت از اموال فرهنگی هنگام مخاصمات مسلحانه است. با این حال و صرف نظر از معیارهای تعیین‌کننده معاهدات خاص و عام باید گفت هرچند کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی طراحی و تدوین شده است، اما کنوانسیون میراث جهانی نیز کنوانسیون مربوط به میراث فرهنگی جهانی است که این امر هر دو کنوانسیون را در حمایت از میراث فرهنگی خاص می‌سازد.

کنوانسیون ۱۹۷۲ مقرراتی را در خصوص تعهدات دولت‌ها در زمان مخاصمه مسلحانه پیش‌بینی کرده است. مطابق بند ۳ ماده ۶ «هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر متعهد می‌گردند که از هر گونه اقدام عمدی که ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم به میراث فرهنگی و

۱. هرچند صرف امضای پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه فاقد آثار حقوقی است و تعهدی برای دولت سوریه و بالتبع آن برای گروه‌های مسلح غیردولتی ایجاد نمی‌کند، با این حال بنابر ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹، این کشور حداقل تا زمانی که تمایل خود مبنی عدم تصویب یا عدم الحاق را اعلام نکرده باشد، نباید مرتکب اعمال مغایر اهداف و مقاصد پروتکل شود.

مستقیم یا غیرمستقیم به میراث فرهنگی و طبیعی مذکور در مواد ۱ و ۲ واقع در قلمرو سایر دولت‌های عضو این کنوانسیون لطمه بزند خودداری کند». با این حال در مورد سوریه آسیب وارده به میراث فرهنگی جهانی در درون مرزهای این کشور رخ داده است، بنابراین توجهات باید در ابتدا به ماده ۴ کنوانسیون جلب شود که مقرر می‌دارد که تشخیص، حمایت، حفاظت و شناساندن میراث فرهنگی و انتقال آن با نسل‌های آینده در وهله اول وظیفه همان دولت است. این کنوانسیون معنای روشنی از حمایت و حفاظت ارائه نداده است. به نظر می‌رسد یک راهکار و شیوه برای تعهد به حمایت و حفاظت از میراث جهانی در زمان مخاصمه مسلحانه داخلی تفسیر ماده ۴ با استفاده از بند ۳ ماده ۶ باشد.

ث) مراجع قضایی بین‌المللی صلاحیت‌دار برای رسیدگی به جنایات جنگی ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه

دادگاه‌های کیفری ملی سوریه و همچنین دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله مراجع قضایی‌اند که از لحاظ نظری صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه را دارند. با این حال، دادگاه‌های داخلی سوریه به لحاظ فروپاشی نظام قضایی، تصویب قانون عفو مصوب ۹ ژوئن ۲۰۱۴ و ناکارآمدی و نقص قوانین موجود لاقلاً تا پایان مخاصمه قادر به رسیدگی به جنایات مذکور نیستند. بنابراین تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یا ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی گزینه‌های موجود برای رسیدگی به جنایات ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه است.

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه

با آغاز قرن بیست‌ویکم، کشورهای درگیر در جنگ‌های داخلی عزم خود را جزم کردند تا به‌منظور خاتمه بخشیدن به جنایاتی که با آثار و تبعات سوء خود صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته بودند، با مساعدت و همکاری سازمان ملل متحد، اقدام به برپایی نسل چهارم از محاکم کیفری کنند. بر این اساس، امروزه در کنار دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، با دادگاه‌های ویژه‌ای مواجهیم که با عناوینی همچون دادگاه‌های «مختلط»، «دوگانه» و گاه «دادگاه‌های بین‌المللی شده» شناخته می‌شوند. قواعد حاکم بر دادگاه‌های مختلط، ترکیبی از قواعد حقوق ملی و بین‌المللی‌اند و مشروعیت آنها نیز از هردو نظام حقوقی ریشه می‌گیرد. این امر حاصل تقابل میان ارکان ملل متحد از جمله شورای امنیت یا مجمع عمومی با دولت ذی‌ربط است. در نتیجه هیأت قضات و قوانین حاکم بر فرایند رسیدگی به اتهامات دارای ترکیب ملی و بین‌المللی است و عدالت نیز از طریق اجرای همزمان حقوق کیفری ملی و حقوق بین‌المللی کیفری تأمین می‌شود (رنجریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۵). با

توجه به مشکلات فراروی تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات ارتكابی (از جمله جنایات علیه میراث فرهنگی) در سرزمین سوریه در دادگاه‌های کیفری این کشور و همچنین دیوان بین‌المللی کیفری گروهی از حقوقدانان بین‌المللی خواستار تشکیل دادگاه ویژه‌ای به رسیدگی به جنایات مذکور شدند. در نهایت، تلاش‌ها به تدوین و انتشار (پیش‌نویس اساسنامه محکم فوق‌العاده (ویژه) سوریه برای تعقیب جنایات شنیع^۱) در ۲۷ آگوست ۲۰۱۳ منجر شد که به «پیش‌نویس چوتوکو»^۲ مشهور شده است.

این محکمه کاملاً از دادگاه‌های کیفری کنونی مستقل بوده و مقر آن در شهر دمشق خواهد بود. مطابق ماده ۱۷ اساسنامه، محکمه صلاحیت رسیدگی به جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی «از جمله انجام حملات عمدی علیه ساختمان‌های مذهبی، آموزشی، هنری، علمی و بناها و یادمان‌های تاریخی» ارتكابی در سرزمین سوریه از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ را داراست.

افزون بر این، محکمه می‌تواند در تفسیر جنایات مشمول صلاحیت، نظریه‌های مسئولیت، ادله اثبات و معیارهای تعیین مجازات از رویه قضایی بین‌المللی موجوده بهره‌برد. همچنین ماده ۲۱ اساسنامه برای اشخاصی که مرتکب جنایات مشمول صلاحیت محکمه شوند، مسئولیت کیفری شخصی پیش‌بینی کرده است. اساسنامه به قضات شعب رسیدگی‌کننده اجازه می‌دهد از قضات خارجی به‌عنوان ناظران بین‌المللی استفاده کنند و از یک یا چند مشاور حقوقی، که می‌تواند از اتباع خارجی باشد، بهره‌برند (مواد ۶ و ۷ اساسنامه). با این حال، اگرچه این محکمه در پی تعقیب، محاکمه و مجازات کلیه اشخاص درگیر پس از پایان مخاصمات مسلحانه است، با توجه به اینکه مقر آن در دمشق بوده و قضات آن نیز جملگی از اتباع سوریه است، امکان اجرای عدالت توسط قضات آن را مورد تردید قرار داده است.

۲. دیوان بین‌المللی کیفری

بنابر ماده ۸ اساسنامه مصوب ۱۹۹۸، دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات جنگی به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست یا در قالب ارتكاب گسترده صورت گرفته باشد، صلاحیت خواهد داشت و منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه نیز، از جمله نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه داخلی در چارچوب تعیین‌شده در حقوق بین‌الملل

1. Draft statute for a syrian [Extraordinary] [special] tribunal to prosecute Atrocity crimes

2. The chautauqua Blueprint

همچون هدايت عمدي حملات عليه ساختمان‌هايي که براي اهداف آموزشي، مذهبي، هنري، علمي يا خيريه اختصاص يافته و آثار تاريخي است.

بي ترديد اعمالی که گروه موسوم به دولت اسلامي عراق و شام (داعش) و ساير گروه‌هاي مسلح غيردولتي عليه ميراث فرهنگي مرتکب مي‌شوند، مصداق جنايات جنگي در مخاصمات مسلحانه داخلی موضوع ماده ۸ اساسنامه رم است. با اين حال، ابتدا بايد صلاحيت ديوان کيفري بين‌المللي براي رسيدگي به جنايات مذکور براساس مقررات اساسنامه، به‌ويژه قواعد مربوط به اعمال صلاحيت ديوان نسبت به دولت‌هاي غير عضو، احراز شود؛ چراکه دولت سوريه سند مؤسس ديوان را تاکنون تصويب نکرده است. بنا بر اين دولت سوريه به لحاظ عدم عضويت در ديوان کيفري بين‌المللي نمی‌تواند براساس ماده ۱۴ اساسنامه وضعيتی را که به نظر می‌رسد در آن یک يا چند جنايت عليه ميراث فرهنگي مشمول صلاحيت ديوان ارتکاب يافته، به دادستان ارجاع دهد و از دادستان به منظور تصميم‌گيري در اين خصوص که آيا شخص يا اشخاصی بايد به ارتکاب آن جنايت‌ها متهم شوند يا خير، درخواست تحقيق کند.

هرچند عدم عضويت دولت سوريه در ديوان کيفري بين‌المللي امری کاملاً اختياری و در حدود صلاحديد حاکميتی اين دولت است، در عين حال عدم عضويت به معنای فارغ بودن دولت سوريه از همکاري با ديوان و مستثنا بودن آن از دايره صلاحيتی ديوان نيست، بلکه ملاحظه مقررات اساسنامه بيانگر اين است که در سه وضعيت ديوان کيفري بين‌المللي براي رسيدگي به جنايات ارتکابی عليه ميراث فرهنگي سوريه صلاحيت دارند.

۱.۲. ارجاع وضعيت سوريه به ديوان کيفري بين‌المللي توسط شورای امنيت

مطابق بند «پ» ماده ۱۳ اساسنامه رم، چنانچه «وضعيتی که به نظر می‌رسد یک يا چند جنايت در آن ارتکاب يافته است، براساس فصل هفتم منشور ملل متحد از طريق شورای امنيت به دادستان ارجاع شود»، ديوان کيفري بين‌المللي می‌تواند صلاحيت خود را نسبت به جنايت‌هاي مذکور اعمال کند. بنا بر اين درصورتی که شورای امنيت ملل متحد وضعيتی را تهديد عليه صلح و امنيت بين‌المللي تشخيص دهد، می‌تواند موضوع را به منظور رسيدگي کيفري به ديوان کيفري بين‌المللي ارجاع دهد. شورای امنيت در ۴ اکتبر ۲۰۱۱، هشت ماه پس از آغاز بحران سوريه، به پيشنهادهای فرانسه، آلمان، پرتغال، بریتانیا و ایرلند شمالی قطعنامه‌ای را در دستور کار قرار داد که سرکوب مخالفان و معترضان را توسط دولت سوريه محکوم می‌کرد که افزون بر روسيه و چين با مخالفت برزيل، هلند، لبنان و آفريقای جنوبي مواجه شد (S/2011/612) و پيش‌نويس قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۱۲ ديگر شورا که ضمن محکوم کردن خشونت در سوريه از تصميم ۲۲ ژانويه اتحاديه کشورهای عربي مبنی بر انتقال قدرت

سیاسی حمایت می‌کرد، یک بار دیگر از سوی روسیه و چین، با وجود موافقت سایر اعضای شورای امنیت، وتو شد (S/2012/77) که در نهایت شورای امنیت قطعنامه‌های ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ را به منظور اعزام ناظران بین‌المللی به سوریه جهت نظارت بر آتش‌بس میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح در سوریه تصویب کرد. در این قطعنامه تمامی الزامات و تعهدات منحصرأ بر عهده دولت گذاشته نشده و مخالفان به‌ویژه گروه‌های مسلح نیز مورد خطاب قرار گرفتند (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۵). شورای امنیت از آغاز بحران سوریه تاکنون قطعنامه‌های متعددی را در خصوص وضعیت جاری در سوریه صادر کرده^۱ و گزارشگر ویژه را نیز مکلف کرده است که هر ماه گزارشی را درباره وضعیت بشردوستانه و نحوه اجرای قطعنامه‌های شورا از سوی طرفین مخاصمه مسلحانه تهیه کند و به شورا ارائه دهد.^۲ گزارشگر ویژه امنیت به دفعات تخریب و غارت میراث فرهنگی سوریه توسط گروه‌های مسلح غیردولتی را تأیید و مراتب نگرانی جدی خود در خصوص استفاده از محوطه‌های تاریخی و باستانی این کشور برای اهداف نظامی به شورای امنیت گزارش کرده است (S/2014/208، S/2015/368، S/2015/468، S/2015/561). پيرو این گزارش‌ها، شورای امنیت غارت و تخریب گسترده فرهنگی سوریه به‌ویژه در شهرهای حلب، رقه و دیرالزور را قویاً محکوم کرد (S/Res/2170(2014).Para.15، S/Res/2199(2015)). با این حال، شورای امنیت با اینکه گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و جبهه النصره، دو گروه مسلح غیردولتی اصلی فعال در سوریه، را تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده و در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است، از شناسایی سریع وضعیت سوریه به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، به دلیل مخالفت روسیه و چین، اجتناب ورزیده است. بنابراین اقدامات صورت‌پذیرفته از سوی برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی ناکام مانده و به ایجاد شکافی میان ۱۲ عضو شورای امنیت و روسیه و چین منجر شده است (Stahn, 2015: 22). پیش‌نویس قطعنامه تهیه شده از سوی فرانسه، با حمایت و پشتیبانی ۶۵ دولت عضو سازمان ملل متحد، که با تلقی وضعیت سوریه به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و تقبیح شدید نقص گسترده حقوق بشر

۱. شورای امنیت تاکنون قطعنامه‌های شماره ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ را در سال ۲۰۱۲، ۲۰۵۹ و ۲۱۱۸ را در سال ۲۰۱۳، ۲۱۳۹، ۲۱۵۶، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸ و ۲۱۹۱ را در سال ۲۰۱۴ و ۲۱۹۹ و ۲۲۰۹ را در سال ۲۰۱۵ در مورد مخاصمه مسلحانه سوریه صادر کرده است.

۲. گزارش‌های مذکور براساس بند ۱۷ قطعنامه (S/Res/2139/2014) پاراگراف ۱۰ قطعنامه (S/Res/2165/2014) و پاراگراف ۵ قطعنامه (S/Res/2197/2014) تهیه می‌شود، از ۲۴ مارس ۲۰۱۴ تاکنون ۱۷ گزارش ارائه شده است.

و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سوی مقامات دولت سوریه و شبه‌نظامیان حامی آن و همچنین گروه‌های مسلح غیردولتی در جریان مخاصمه مسلحانه کنونی از مارس ۲۰۱۱، در صدد بود که وضعیت جاری در سوریه را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد، با وتوی روسیه و چین، با وجود موافقات سایر اعضای شورای امنیت مواجه شد (S/2014/348). بنابراین در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که امکان ارجاع وضعیت سوریه، بر خلاف مورد دارفور سودان^۱ و لیبی، به دیوان کیفری بین‌المللی وجود داشته باشد.

۲.۲. ارجاع وضعیت سوریه از رهگذر صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی

مطابق بند ۳ ماده ۱۳ اساسنامه رم، دولت غیر عضو می‌تواند با سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایات ارتكابی در قلمرو سرزمینی‌اش را بپذیرد. دولت سوریه نیز از این قاعده مستثنا نیست و پذیرش صلاحیت دیوان از سوی دولت سوریه براساس بند ۳ ماده ۱۲ می‌توان سبب‌ساز امکان ورود دیوان به وضعیت سوریه شود تا دیوان بتواند در راستای وظیفه ذاتی خود یعنی مقابله با جنایات بین‌المللی اقدام کند. پذیرش اساسنامه از سوی دولت سوریه موقعیت این کشور را همانند دولت‌های عضو خواهد کرد که در این صورت دادستان مبنایی برای آغاز تحقیقات و محاکمه تروریست‌های کیفری بپردازد. به خصوص اینکه عمده گزارش‌ها در سوریه حاکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در این کشور است (جنت مکان، ۱۳۹۲: ۱۰۰۲).

شواهد حاکی از این است که دولت سوریه در حال حاضر به دلایلی همچون عدم اعتماد به فرایند قضایی دیوان کیفری بین‌المللی و باور به توانایی نهادهای قضایی سوریه در رسیدگی به جنایات ارتكابی در آن کشور^۲ تمایلی برای صدور اعلامیه موضوع بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه برای پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را ندارد. با توجه به اینکه دولت‌های غیر عضو اساسنامه می‌توانند با صدور اعلامیه پذیرش، صلاحیت دیوان را تنها نسبت به وضعیت یا قضیه

۱. شورای امنیت تاکنون بحران دارفور سودان را در سال ۲۰۰۵ و وضعیت لیبی را در سال ۲۰۱۱ به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده است (S/Res/1970 (Feb.26, 2011); S/Res/1593 (mar.31.2005)).

۲. نماینده سوریه در سازمان ملل متحد در جریان رأی‌گیری شورای امنیت در خصوص پیش‌نویس قطعنامه ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی اظهار داشت که دولت سوریه اقدامات متعددی را برای تعقیب و محاکمه اشخاص درگیر در جنایات جنگی اتخاذ کرده و به دلیل توانایی نهادهای قضایی سوریه برای اجرای عدالت ضرورتی برای ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی وجود ندارد.

خاص بخواهند و الزامی برای پذیرش کلی صلاحیت دیوان ندارند (Gallant, 2013: 581)، دولت سوریه می‌تواند صلاحیت موردی دیوان کیفری بین‌المللی را صرفاً در خصوص جنایات علیه میراث فرهنگی، که بنابر گزارش‌های گزارشگر ویژه شورای امنیت تردیدی در خصوص انتساب آن به گروه‌های تروریستی وجود ندارد، بپذیرد.

۳.۲. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی از رهگذر عضویت مرتکبان

از زمانی که ناآرامی‌های سوریه آغاز و اعتراضات به شورش مسلحانه تبدیل شد، جنبش‌های افراطی در داخل و خارج از کشور برای به‌دست آوردن نفوذ در میان مخالفان و در نتیجه افزایش قدرت خود تلاش کردند. بر خلاف درگیری‌ها در لیبی، جنگجویان در سوریه پناهندگان این کشور نیستند، بلکه غالب افرادی هستند که از کشورهای دیگر به سوریه منتقل شده‌اند. تعداد زیادی از افراط‌گرایان از میان افرادی تازه‌مسلمان هستند که به‌سوی منطقه روان شده‌اند (کیایی، ۱۳۹۱: ۳۷).

علاوه بر مجمع عمومی ملل متحد که مداخله اشخاص مسلح خارجی را در سرزمین سوریه محکوم کرده است (A / Res/ 88/ 182(2014), para 6). شورای امنیت نیز در پی سلسله گزارش‌های گزارشگر ویژه بحران سوریه از مشارکت روزافزون جنگجویان غیرسوری در مخاصمه مسلحانه سوریه، عضویت آنها در گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره (S/2014/765, Para 15, S/2014/611, Para 12) پدیده تروریست‌های خارجی، را تقبیح و از دولت‌های عضو درخواست کرد که از مسافرت و انتقال اتباع خود به پیوستن به گروه‌های تروریستی جلوگیری کنند (S/Res/2178 (2014), para 6, S/Res/2170(2014), para 8). پیرو درخواست شورای امنیت، در ۸ می ۲۰۱۴ وزارت امور داخلی فرانسه، آلمان، اردن، مراکش، اسپانیا، سوئد، هلند، تونس، ترکیه، بریتانیا و آمریکا در شهر بروکسل بلژیک گرد هم آمدند تا اقدامات مشترکی را به‌منظور جلوگیری از مسافرت اتباعشان برای پیوستن به مخاصمه مسلحانه سوریه اتخاذ کنند. براساس شواهد بیش از ۳۰ هزار جنگجوی خارجی از کشور رهسپار سوریه و جذب گروه‌های تروریستی شده‌اند (Kardas, 2014: 7). بسیاری از این کشورها که اتباع آنها در مخاصمه مسلحانه سوریه مشارکت کرده‌اند، عضو دیوان کیفری بین‌المللی‌اند که دیوان براساس بند «ب» پاراگراف ۲ ماده ۱۲ اساسنامه صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط آنها را دارد.

نتیجه‌گیری

تحولات موسوم به بهار عربی، سوریه را ابتدا دستخوش اعتراضات و ناآرامی‌های سیاسی و سپس مخاصمه مسلحانه تمام‌عیار کرد. ورود تندروهای سنی‌مذهب به درگیری‌ها و اعلام موجودیت گروه تکفیری موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) میراث فرهنگی بی‌همتا و ارزشمند سوریه را به کانون اصلی مخاصمه تبدیل کرد. از آغاز بحران سوریه، گروه‌های مسلح غیردولتی، به‌ویژه داعش، به‌صورت فاجعه‌باری مبادرت به تخریب آثار و بناهای باستانی و غارت و چپاول اشیای عتیقه کرده‌اند و هدف قرار دادن بناها و اماکن تاریخی، تخریب و انهدام گسترده آنها، استفاده از محوطه‌های باستانی برای اهداف نظامی همچون پناهگاه و پایگاه‌های نظامی، سرقت، غارت، قاچاق و تصاحب آثار تاریخی و اشیای عتیقه از جمله جنايات ارتكابی عليه ميراث فرهنگى سوریه است که به‌صورت گسترده و هدفمند و در قالب برنامه مشخصی از سوی گروه‌های مسلح غیردولتی در حال انجام است؛ به‌گونه‌ای که هر شش محوطه میراث جهانی سوریه که واجد ارزش‌های جهانی استثنایی‌اند، به‌دلیل تحمل صدمات جبران‌ناپذیری در فهرست میراث جهانی در خطر یونسکو قرار گرفته است. به‌دلیل عضویت نداشتن سوریه در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر حمایت از میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، حقوق بشردوستانه معاهداتی اندکی قابلیت اعمال بر مخاصمه مذکور را دارد که کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه و کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی از جمله این مقررات است. البته افزون بر قانون آثار باستانی سوریه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نیز اصول و قواعدی دارد که برای طرفین مخاصمه لازم‌الاتباع است. دادگاه‌های کیفری سوریه بنابر صلاحیت سرزمینی، دادگاه کیفری برخی کشورها در پرتو اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکبان و دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه و همچنین دیوان بین‌المللی کیفری به اعتبار مفهوم میراث مشترک بشریت مراجع قضایی‌اند که از لحاظ نظری صلاحیت رسیدگی به جنايات ارتكابی عليه ميراث فرهنگى سوریه را داراست. با این حال، دادگاه‌های داخلی سوریه به لحاظ فروپاشی نظام قضایی، تصویب قانون عفو مصوب ۹ ژوئن ۲۰۱۴، ناکارآمدی و نقص قوانین موجود لااقل تا پایان مخاصمه قادر به رسیدگی به جنايات مذکور نیست. تأسیس دادگاه بین‌المللی ویژه، آن‌گونه که برخی حقوقدانان پیش‌نویس آن را تهیه کرده‌اند، نیز با توجه به مشکلات عملی و هزینه‌های گزاف چندان مطلوب و عملی نیست. بنابراین در حال حاضر دیوان بین‌المللی کیفری، با اینکه به‌دلیل عضویت نداشتن سوریه با ایراد عدم صلاحیت ابتدایی مواجه است، تنها مرجع قضایی کارآمد برای رسیدگی به جنايات ارتكابی عليه ميراث فرهنگى سوریه است. بنابراین جامعه بین‌الملل باید با رفع اختلاف نظر دولت‌ها در مورد ماهیت حقوقی بحران سوریه و چگونگی رویارویی با آن از رهگذر ترغیب

شورای امنیت به ارجاع وضعیت سوریه به دیوان بین‌المللی کیفری یا الزام یا اقناع دولت سوریه به صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت یا تقاضای کشورهای که اتباع آن عضو گروه‌های مسلح غیردولتی فعال در سوریه هستند، نسبت به تعقیب کیفری و مجازات مرتکبان جنایات ارتكابی علیه میراث فرهنگی سوریه در دیوان بین‌المللی کیفری اقدام کند. بدیهی است چنانچه جامعه بین‌المللی با تمام ظرفیت‌های حقوقی خود نسبت به پیشگیری و مجازات مرتکبان جنایات مذکور اقدام نکند، باید نظاره‌گر نابودی یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های بشریت باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. حسینی، سید کرم حسین (۱۳۹۲)، *آشنایی با گروهک‌های تکفیری، فصلنامه صراط*، شماره ۱۲.
۲. صمدی رندی، یونس (۱۳۸۲)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
۳. ضیایی، بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حمایت از اموال فرهنگی در درگیری‌های مسلحانه؛ محورهای بنیادین و چالش‌برانگیز، چاپ اول، در کتاب مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل.
۴. فلک، دیتر (۱۳۹۲)، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید قاسم زمانی و همکاران، چاپ سوم، انتشارات شهر دانش.
۵. کیایی، مهرداد (۱۳۹۱)، *بحران سوریه ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۶۹.
۶. مرادی، عبدالله (۱۳۹۲)، *بحران سوریه؛ امکان و امتناع مداخله بشردوستانه*، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۰۵.
۷. ممتاز، جمشید (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمه مسلحانه داخلی، چاپ اول، نشر میزان.
۸. نژندی منش، هیبت‌الله (۱۳۸۹)، حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، چاپ اول، خرسندی.
۹. نوربها، رضا (۱۳۷۱)، بررسی قرارداد حمایت از اموال فرهنگی بهنگام نزاع مسلحانه و اعمال آن در جنگ عراق علیه ایران، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۱۶ و ۱۷.
۱۰. هنرکز، ژان ماری (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ج ۱، چاپ اول، انتشارات مجد.

ب) انگلیسی

11. Angling; Raechel (2013), *the world heritage list: Bridging the cultural property nationalism – Internationalist divide* yale journal of law and the humani ties, vol.20, issue 2
12. Fishman; joseph P (2010), *locating the intenationsl intrest in international cultural property disputs*, the yale journal of international law, vol.35
13. Frigo; manila (2004), *cultural property V.cultural heritage: A “battle of corepts” in international law?* RICR, vol.86, 854
14. Gallant, Kenneth(2003); *the international criminal court in the systems of states and international organizations*; Leiden journal of international law, vol.16
15. Kardas; tuncay and ozdemir behran(2014), *the making of European foreign fighters: identity, social media and virtual radicalization*, seta press
16. Labadi; Sophia (2013), *unesco, cultural heritage, and outstanding universal value*, Altamira press
17. Lostal; merina (2014), *Syria world cultural heritage and individual criminal Responsibility*, available at / ssm.com/abstlact.

18. Merryman, John Henry (1986), *two ways of thinking about cultural property*, the American journal of international law, vol.80 ,no. 4.
19. O'Keefe; Roger (2010), *protection of cultural property under international criminal law*, Melbourne journal of international law, vol.11.
20. Petrovic; Jadranka (2015), *accountability for the violations of international law: essays in* of Tim McCormack, Routledge.
21. Rasheed; Adil (2015), *ISIs: race to armage* =====, vij Book India Pvt Ltd press.
22. Rodenhauer; Timan (2015), *international legal obligation of armed opposition group in Syria*, international review of law.

